



خُتَن و زبَان خُتَنی

دکتر مجید طامه

طامه، مجید، ۱۳۵۸ -

خُتَن و زبان خُتَنی / مجید طامه... تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۹۵.
۱۳۰ ص.: مصور... (از ایران چه می دانم؟؛ ۱۲۷)

ISBN: 978-964-379-387-6

فهرستویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. زبان خُتَنی. ۲. زبان خُتَنی - دستور. الف. دفتر پژوهشهای فرهنگی. ب. عنوان.

۴۸۳/۰۸۳

PIR ۲۴۶۲ / ط ۲ خ ۱۳۹۵

۴۳۰۸۰۷۶

کتابخانه ملی ایران

ISBN: 978-964-379-387-6

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۹-۳۸۷-۶

* خُتَن و زبان خُتَنی از ایران چه می دانم؟ / ۱۲۷

* مؤلف: دکتر مجید طامه

* ویراستار: مریم رفیعی

* تصویر روی جلد: نقاشی دیواری از دو بانوی اشرف زاده خُتَنی - در غار شماره ۶۱ دون هوانگ

* طراح جلد و صفحه آرا: فریده داورزنی

* شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه * چاپ اول: ۱۳۹۵

همه حقوق محفوظ است. هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل بدون اجازه کتبی دفتر پژوهشهای فرهنگی ممنوع است.

دفتر پژوهشهای فرهنگی



مراکز اصلی پخش و فروش:

• دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، کوچه باقری

فصلالدشتی، شماره ۵. کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۹۱۳ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۴۶۹۱

دورنگار: ۸۸۳۰۲۴۸۵

تلفن: ۸۸۲۱۳۶۴، ۸۸۳۱۵۳۲۷

تلفن های فروش: ۸۸۴۹۴۶۱، ۰۹۳۵۲۴۷۹۸۴۷

پست الکترونیک: lahze1386@gmail.com

فروش الکترونیک: www.iranculturalstudies.com

• پخش مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، نیش خیابان شهید وحید نظری، شماره ۲۵۵.

دورنگار: ۶۶۹۵۰۱۴۶

تلفن: ۶۶۴۱۷۵۳۲، ۰۹۱۲۲۱۷۷۶۴۷

یادداشت

با توجه به تحولات نوین فرهنگی در جامعه امروز، نیاز همه ایرانیان، به ویژه جوانان تیزبین و پرسشگر، به بررسی های جدید علمی و مستمر درباره تاریخ پرفراز و نشیب ایران زمین و دیانت و فرهنگ و تمدن آن، بیش از گذشته نمودار شده است. از این رو، دفتر پژوهشهای فرهنگی با شناخت این امر و در جهت گسترش دیدگاه های همه جانبه و عمیق فرهنگی، تلاش مستمری را آغاز کرده و بر آن است تا با انتشار مجموعه *از ایران چه می دانم؟* آگاهی های مهم، دقیق و سودمندی را در حوزه های گوناگون ایران پژوهی در دسترس همه دوستداران ایران و جوانان علاقه مند کشورمان قرار دهد.

امید است که این دفتر بتواند با ارائه این نوع پژوهش ها، ضمن ایجاد پیوندی ناگسستنی میان فرهنگ امروز و دیروز و دوری از هرگونه ذهنیت و جانبداری های یک سویه و غیر علمی، زمینه تبادل نظر و اندیشه را میان همه دانش پژوهان و علاقه مندان این عرصه فراهم سازد و در شکوفایی حرکت های نوین فرهنگی و اندیشه پرور و ایجاد آینده ای بهتر برای این سرزمین، نقشی شایسته و مفید ایفا کند.

دفتر پژوهشهای فرهنگی

فهرست مطالب

۷	پیش‌سخن
۱۱	فصل یکم. خُتن در دوران باستان و در دوران اسلامی
۱۱	۱. جغرافیا
۱۵	۲. بنیان‌گذاری ختن و پیشینه افسانه‌ای آن
۱۹	۳. ختن در دوران تاریخی
۲۹	۴. بودایی‌گری در ختن و سرانجام آن
۳۳	۵. اقتصاد، فرهنگ و هنر در ختن
۳۸	۶. ختن در ادبیات فارسی
۴۱	فصل دوم. زبان خُتنی
۴۱	۱. نام زبان ختنی
۴۳	۲. پیشینه تاریخی زبان ختنی
۴۵	۳. ادوار زبان ختنی
۴۸	۴. خط متون ختنی
۵۳	۵. تاریخچه مطالعات ختنی
۵۹	فصل سوم. دستور زبان خُتنی
۵۹	۱. طبقه‌بندی تاریخی
۶۲	۲. آواشناسی

- ۶۹ ۳. صرف
۸۷ ۴. نحو
۹۱ ۵. واژه‌سازی و واژه‌گزینی در خُتَنی

فصل چهارم. متون و ادبیات خُتَنی

- ۹۵ ۱. طبقه‌بندی متون خُتَنی
۹۹ ۲. متون دینی
۱۰۷ ۳. متون غیردینی
۱۱۲ ۴. شعر در خُتَنی
۱۱۴ ۵. نمونه‌هایی از متون خُتَنی

- ۱۱۹ سخن پایانی
۱۲۱ مآخذ
۱۳۱ مآخذ تصاویر

پیش سخن

زبان‌های ایرانی به گروهی از زبان‌ها و گویش‌ها گفته می‌شود که از نظر ویژگی‌های زبانی وجوه مشترک دارند. در این نام‌گذاری معیارهای زبان‌شناختی مورد نظر است و نه مرزهای جغرافیایی و سیاسی کنونی ایران، از این رو تمام زبان‌هایی که خارج از مرزهای کنونی ایران رایج بوده یا هستند، از زمره زبان‌های ایرانی به‌شمار می‌آیند.

زبان‌های ایرانی جزء خانوادهٔ بزرگی از زبان‌ها هستند که اصطلاحاً به هندواروپایی معروف است. اصطلاح هندواروپایی نخستین بار در اوایل قرن نوزدهم میلادی برای خانوادهٔ بزرگی از زبان‌ها که شامل زبان‌های هندی، فارسی، و زبان‌های اروپایی است وضع شد. در مجموع آنچه امروزه تحت عنوان زبان‌های هندواروپایی شناخته می‌شود، بازماندگان زبانی واحد به نام هندواروپایی آغازین است که سخنگویان آن حدوداً در فاصلهٔ سال‌های ۴۵۰۰-۳۶۰۰ پیش از میلاد می‌زیستند.

یکی از شاخه‌های خانوادهٔ زبان‌های هندواروپایی آریایی نامیده می‌شود. همهٔ زبان‌های آریایی بازماندهٔ زبان واحدی هستند که می‌توان آن را آریایی آغازین نامید. آریایی آغازین زبان گروهی از مهاجران هندواروپایی بود که در حدود هزارهٔ سوم پیش از میلاد از هم‌نژادان خویش جدا شدند و در دشت‌های آسیای مرکزی سکنی گزیدند. این گروه خود را **arya* می‌نامیدند که این واژه به معنای «آزاده»، «نجیب‌زاده» و «شریف» است (قس^۱ سنسکریت

۱. «قس» در این کتاب معادل: قیاس شود.

ārya- اوستایی -airiia-، فارسی باستان -ariya-). آریایی‌ها بعدها به دو گروه بزرگ «هندوآریایی» و «ایرانی» تقسیم شدند. اقوام ایرانی در اواخر هزارهٔ دوم پیش از میلاد از هم‌نژادان آریایی‌شان جدا شدند و به مناطق دیگر کوچ کردند. زبانی را که اقوام ایرانی از این زمان مورد استفاده قرار دادند، ایرانی آغازین یا ایرانی باستان می‌نامند.

در مجموع تاریخ زبان‌های ایرانی را به سه دوره تقسیم می‌کنند: (۱) زبان‌های ایرانی باستان، اصطلاحاً به زبان‌هایی گفته می‌شود که از هزارهٔ دوم پیش از میلاد تا اندکی پس از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی میان اقوام ایرانی رایج بود؛ (۲) زبان‌های ایرانی میانه از هنگام فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی تا چند سده پس از انقراض ساسانیان رواج داشتند. زبان‌های ایرانی میانه را به دو گروه غربی و شرقی تقسیم می‌کنند. زبان‌های ایرانی میانهٔ غربی عبارتند از پارتی (یا پهلوانی یا پهلوی اشکانی) و فارسی میانه (پهلوی یا پهلوی ساسانی). زبان‌های ایرانی میانهٔ شرقی که در شرق ایران تا ترکستان چین رواج داشتند، عبارتند از: بلخی، خوارزمی، سغدی و سکایی (با دو گویش ختنی و تمشقی)؛ (۳) زبان‌های ایرانی نو زبان‌هایی هستند که پس از فروپاشی شاهنشاهی ساسانی شروع شده‌اند و تا به امروز ادامه دارند.

زبان ختنی که موضوع اصلی این دفتر است یکی از زبان‌های ایرانی میانهٔ شرقی است که در سرزمین ختن تا پیش از حملهٔ مسلمانان بدان‌جا، در اوایل سدهٔ یازدهم میلادی، بدان تکلم می‌شد. ختن یکی از مهم‌ترین و شکوفاترین مراکز بودایی در آسیای مرکزی بود و آثار به‌جامانده از ختنی نیز گویای همین امر است. تاریخ دقیق نفوذ عقاید بودایی در ختن مشخص نیست، اما احتمالاً مردم این سرزمین در اوایل سدهٔ نخست میلادی به دین بودا گرویده‌اند. با وجود آن‌که دین مردم ختن بودایی بود، در زبان آنها واژه‌های اصیل ایرانی نیز به‌کار می‌رفت، هرچند برخی از این واژه‌ها معانی جدیدی یافته بودند. از جمله

واژه‌های کهن ایرانی در ختنی می‌توان به این موارد اشاره کرد: urmaysde «خورشید» بازمانده *ahura-mazdā؛ -gyasta، -jasta «ستوده، خدا» قابل مقایسه با اوستایی -yazata «ایزد، ستودنی».

در این دفتر کوشش بر آن بوده تا خواننده یک دید کلی دربارهٔ ختن و تاریخ آن از دوران باستان تا معاصر به دست آورد و با کلیاتی دربارهٔ زبان ایرانی ختنی و ادبیات بسیار غنی آن و مهم‌ترین منابع در این حوزه آشنا شود.

فصل یکم

ختن در دوران باستان و در دوران اسلامی

۱. **جغرافیا** ختن در ۶ دقیقه و ۳۷ درجه شمالی عرض جغرافیایی و ۵۶ دقیقه و ۷۹ درجه شرقی طول جغرافیایی و در ارتفاع ۱۳۸۴ متری از سطح دریا قرار دارد و ناحیه‌ای مهم در جنوب فلات تاریم^۱ در منطقه خودمختار شین‌جیانگ (سین‌کیانگ)^۲ اویغور در ترکستان چین به‌شمار می‌رود (← شروو^۳، ۲۰۱۱، ایرانیکا، online).

ترکستان چین یا ترکستان شرقی^۴ که چینیان در روزگاری آن را «هان - های»^۵ می‌نامیدند، با نام‌های ناحیه خودمختار شین‌جیانگ اویغور، سین‌کیانگ و اویغورستان نیز معروف است. ترکستان چین از دو منطقه فلات تاریم در جنوب و فلات جونگار^۶ در شمال تشکیل شده و در بخش شرقی آسیای میانه قرار گرفته است. کوه‌های تین‌شان^۷ این دو بخش شمالی و جنوبی ترکستان چین را از یکدیگر جدا می‌سازد. هم‌چنین رشته‌کوه‌های آلتایی^۸ مرز این ناحیه

1. Tarim

2. Xinjiang

3. Skjærvø

۴. ترکستان را به لحاظ جغرافیایی به بخش‌های ترکستان غربی (ترکستان روس)، ترکستان شرقی (ترکستان چین)، ترکستان افغانستان واقع در بخش شمالی این کشور، و نیز بخش‌هایی از قزاقستان و سرزمین‌های آسیای میانه روسیه تقسیم می‌کنند (← رضا، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵).

5. Han-Hai

6. Jungar (Dzungar)

7. Tien Shan

8. Altai

و مغولستان را تشکیل می‌دهد و رشته‌کوه‌های کون‌لون^۱ این منطقه را از تبت جدا می‌کند. ترکستان چین با ناحیه خودمختار تبت و استان‌های چینگهای^۲، گان‌سو^۳، جنوب شرقی مغولستان، سیبری روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، افغانستان، پاکستان و کشمیر هند همسایه و هم‌مرز است و وسعت آن نزدیک به ۱۶۶۴۹۰۰ کیلومتر مربع و مرکز آن شهر ارومچی^۴ است (رضا، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ ایرانیکا، ۱۹۹۲، ص ۴۶۱؛ میلورد^۵، ۲۰۰۷، ص ۴-۵).



۱. نقشه ترکستان چین

فلات تاریم از جنوب به ارتفاعات تبت (کون‌لون)، از شمال به کوه‌های تین‌شان و از مغرب به کوهستان‌های پامیر محدود است و از شرق بدون برخورد با مانعی طبیعی به دشت‌های مغولستان متصل می‌شود. طول این فلات

1. Kun-lun
3. Gansu
5. Milward

2. Qinghai
4. Urumchi

در جهت شرقی - غربی، ۱۴۰۰ کیلومتر و عرض آن در جهت شمالی - جنوبی، ۵۵۰ کیلومتر است و روی هم رفته ۵۳۰ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد. ارتفاع آن از سطح دریا در مناطق مختلف بین ۷۸۰ تا ۱۳۰۰ متر و گودترین نقطه آن دریاچه لوپ نور^۱ است. بزرگترین کویر چین یعنی تکلمکان^۲ در مرکز این فلات قرار دارد. این ناحیه به علت قرار داشتن در کنار جاده باستانی ابریشم از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. جاده ابریشم که امپراتوری روم را به چین مرتبط می ساخته، به شکل دو نیم دایره، از شمال و جنوب رودخانه تاریم می گذشت، در سمت شمال آن شهرهای ترفان^۳، کوچا^۴، آق سو^۵ و کاشغر واقع بود و در جنوب آن ختن و یارکند^۶ قرار داشت. در ترکی اوغوری این ناحیه را آلتی شهر^۷ (شش شهر: آق سو، چوتورخان، کاشغر، ینگی شهر، یارکند و ختن) می نامیدند (هایم^۸، ۲۰۰۴، ص ۳۳۹-۳۴۰؛ بارتولد^۹، ۱۳۵۸، ص ۳۹؛ امیدوارنیا، ۱۳۷۲، ص ۱۴۱-۱۴۲).



۲. نقشه فلات تاریم و واحه های واقع در آن

- | | |
|--------------|---------------|
| 1. Lop Nur | 2. Taklamakan |
| 3. Turfan | 4. Kucha |
| 5. Aksu | 6. Yarkand |
| 7. Altishahr | 8. Higham |
| 9. Bartold | |

واحه ختن در شش مایلی جنوب بیابان تکلّمکان قرار دارد و کمی بیش از ۳۶۳۳ کیلومترمربع را در برمی گیرد. در سمت جنوب آن رشته کوه های کون لون قرار دارد و دو رود یورونگ قاش^۱ («یشم سفید») و قره قاش^۲ («یشم سیاه») از این ارتفاعات به سوی ختن سرازیر می شوند. به سبب وجود این دو رود، ختن یکی از مراکز مهم کشاورزی و صنعتی در کناره جنوبی حوضه رودخانه تاریک به شمار می آید. سرزمین ختن از مشرق با راهی زمینی که از جنوب صحرای تکلّمکان می گذرد، به شهرهای چین و از طرف مغرب به شهرهای یارکند و کاشغر و از جنوب به شهر مزار و از آنجا به جامو و کشمیر وصل می شود (شتاین^۳، ۱۹۰۷، ج ۱، ص ۱۲۴-۱۳۰؛ امریک^۴، ۱۹۹۲، الف، ص ۱). یکی دیگر از مناطق بسیار مهم در شمال ختن محلی است به نام دندان اویلیق^۵ که نه تنها برخی از آثار ختنی در آنجا به دست آمده، بلکه یکی از قدیمی ترین آثار مکتوب فارسی موسوم به قطعه داندان اویلیق به فارسی یهودی و به خط عبری متعلق به قرن هشتم میلادی در آنجا پیدا شده است (برای ترجمه فارسی این قطعه ← غنی، ۱۳۸۸، ص ۶۶-۷۷).

مؤلف ناشناخته کتاب جغرافیایی حدود العالم، که در سال ۳۷۲ هجری قمری نوشته شده، ختن را در فصل چینستان آورده و آن را چنین توصیف کرده:

«ختن، میان دو رود است. اندر حدود وی مردمان اند وحشی و مردم خوار و بیش ترین خواسته ایشان قز است و ملک ختن را هیئت بزرگ است، خویشان را عظیم التبرک و التبت خواند و بر حدی است که میان چین و تبت است. این ملک ختن را خصیانی اند بر همه اعمال او موکل. و از این شهر هفتاد هزار مرد جنگی بیرون آید. و سنگ یشم از رودهای ختن خیزد» (۱۳۷۲، ص ۱۸۶).

1. Yurung-kāsh

2. Kara-kāsh

3. Stein

4. Emmerick

5. Dandān-Uiliq

یاقوت حَمَوی جغرافی‌دان مشهور مسلمان، در قرن هفتم هجری، دربارهٔ ختن چنین آورده است:

«شهری و ایالتی در زیر کاشغر و پشت یوزکند است که از سرزمین ترکستان به شمار است. و آن به درّه‌ای است در میان سرزمین ترکان و برخی آن را با تشدید تاء خوانند» (۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۷۱).

۲. بنیان‌گذاری ختن و پیشینهٔ افسانه‌ای آن قدیمی‌ترین اشاره‌های

مکتوب به ختن و بنیان‌گذاری آن در نوشته‌های سیاحان و زائران چینی آمده است. هم‌چنین در متون تبتی نیز در این خصوص روایاتی نقل شده که احتمالاً بازتاب‌دهندهٔ روایاتی به ختنی بوده‌اند (← هیل^۱، ۱۹۸۵، ص ۱۷۹). اما، تاکنون، هیچی متنی به ختنی که در آن به صراحت به بنیان‌گذاری این سرزمین اشاره شده باشد پیدا نشده است.

در منابع چینی و تبتی چهار روایت دربارهٔ بنیان‌گذاری ختن موجود است، هر چهار روایت زمان بنیان‌گذاری ختن را به دوران آشوکا/ آشوکا^۲ (حکومت: ۲۷۲-۲۳۱ ق.م)، شاه نامدار سلسلهٔ موریه^۳ که به آیین بودا گروید و بر بیش‌تر شبه‌قارهٔ هندوستان فرمانروایی کرد، نسبت می‌دهند. در یکی از این روایت‌ها بنیان‌گذاری ختن به اقوام هندی و در سه روایت دیگر به ترکیبی از اقوام هندی و چینی نسبت داده شده است. دو روایت به چینی و مربوط به قرن هفتم میلادی و دو روایت دیگر به تبتی و دست‌کم یکی از آنها احتمالاً مربوط به قرن هفتم میلادی است (شروو، ۱۹۸۷ الف، ص ۷۸۳؛ شروو، ۲۰۱۲، ص ۱۰۸).

هر دو روایت چینی از زائری به نام شوان‌زانگ^۴ است که در فاصلهٔ سال‌های ۶۲۹-۶۴۵ میلادی به هند سفر کرد و شرح سفر خود را در کتابی به نام

1. Hill

2. Aśoka

3. Maurya

4. Xuanzang (玄奘)

گزارش‌هایی از جهان باختری ضبط کرد. شوان‌زانگ چنین روایت می‌کند که همسر آشوکا با دسیسه‌چینی صاحب‌منصبان شهر تکسیلا (یا همان تَکَشْشِیلا)^۱ را وادار به کور کردن پسر آشوکا با نام کوناله^۲ می‌کند. آشوکا به انتقام‌خواهی آنها را تبعید می‌کند، آنها با پشت سر گذاردن کوه‌های پوشیده از برف هیمالیا به بیابانی (تَکَلَمَکان) در غرب ختن می‌رسند. در همان زمان شاهزاده‌ای چینی که وی نیز تبعید شده بود به منطقه غربی ختن وارد می‌شود، او بر اقوام هندی چیره می‌شود و سراسر ختن را زیر حیطه تسلط خود در می‌آورد. پس از مدتی شاه که بدون وارث مانده به درگاه خدای محافظ ختن به نام ویشروانه^۳ تشبث می‌جوید و به پاس این نیایش صاحب‌پسری می‌شود. این پسر با پستانی که از درون زمین درآمده بود تغذیه می‌شود و بدین سبب این سرزمین را کوسَته^۴ یعنی «پستان زمین» می‌نامند.

در روایت دوم که شاگردان شوان‌زانگ از قول وی نقل کرده‌اند، این شاهزاده کوناله است که به فرمان آشوکا تبعید و در ختن مستقر می‌شود. کوناله که بدون هیچ فرزندی مانده ویشروانه را نیایش می‌کند و در پی این نیایش به‌طور معجزه‌آسایی پسری به او عطا می‌شود و برای تغذیه این کودک از درون زمین پستانی می‌روید و بدین روی پسر کوسَته نامیده می‌شود.

در نخستین روایت تبتی که احتمالاً در قرن هفتم میلادی نوشته شده چنین آمده است: یکی از شاهان چین از ویشروانه درخواست فرزند می‌کند و ویشروانه به وی پسری می‌دهد و این پسر در واقع همان فرزند آشوکا است. در این روایت نیز این پسر با پستانی که از درون زمین درآمده تغذیه می‌شود. سپس پادشاه، او را فرمانروای ختن می‌کند و وی همراه مشاورانش به ختن می‌رود و در کنار اقوام هندی در صلح و آرامش زندگی می‌کند.

1. Taxila (Takṣaśilā)

2. Kuṇāla

3. Vaiśravaṇa

4. Kustana

چهارمین روایت در منبعی تبتی با نام پیشگویی سرزمین لی^۱ آمده است. در این روایت پس از آن که پادشاه هند با نام دهرماشوکه^۲ به آیین بودا می‌گردد همراه با وزیرش با نام یَشَس^۳ به ختن سفر می‌کند. در این اثنا همسرش از خدای ویشروونه باردار می‌شود و پادشاه از ترس آن که این فرزند در آینده پادشاهی را از او خواهد گرفت نوزاد را رها می‌کند اما نوزاد از پستان زمین شیر می‌خورد و بدین سبب او را Sa-nu «پستان زمین» می‌نامند. در همین زمان یکی از پادشاهان چین که ۹۹۹ پسر دارد از خدایان تقاضای یکی دیگر می‌کند تا تعداد پسرانش به هزار برسد، پس ویشروونه آن نوزاد را به او می‌دهد. پس از آن که آن پسر به دوازده سالگی می‌رسد همراه با ۱۰ هزار تن از ساکنان چین رهسپار ختن می‌شود و از سوی دیگر وزیر آشوکه یعنی یَشَس نیز با تعدادی از هندیان به ختن می‌آید و این دو قوم در کنار هم زندگی می‌کنند (برای شرح کامل این روایت‌ها ← شتاین، ۱۹۰۷، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۶۱).

هیچ‌یک از متون تاریخی ارتباط میان آشوکه یا یکی از وابستگانش با سرزمین ختن را تأیید نمی‌کند، بنابراین، این چهار روایت به لحاظ واقعیت تاریخی قابل استناد نیستند و در واقع در آنها تلاش شده تا میان ختن و آشوکه که از پیروان نامی آیین بودایی است ارتباطی برقرار شود. اما، از سوی دیگر، داده‌های باستان‌شناختی به حضور پررنگ فرهنگ هندی و چینی در ختن صحنه می‌گذارد. در این خصوص سکه‌های چینی-کهرُشتی پیداشده در یوتقن^۴، پایتخت قدیمی ختن، و اسناد پراکریت یافته‌شده در نواحی اطراف ختن تأییدی مستدل بر حضور فرهنگ هندی در این ناحیه است (شروو، ۱۹۸۷ الف، ص ۷۸۳).

1. *Prophecy of the Country of Li* (Li-yul luñ-bstan-pa)

2. Dharmāśoka

3. Yaśas

4. Yotkan

نبود کوچک‌ترین اشاره‌ای به اقوام ایرانی در این روایت‌ها جای بسی تعجب دارد. اما به‌طور قطع در ترکستان چین که بخشی از آسیای میانه است از قدیم‌ترین زمان‌ها اقوام ایرانی حضور داشته‌اند و شاهد آن کتیبه‌های هخامنشی است که در آنها از قبایل سَکایی‌ای نام برده شده که در متهی‌الیه شمال شرقی پادشاهی هخامنشی می‌زیسته‌اند. این قبایل سَکایی صحرانورد دست‌کم از نیمه اول هزاره دوم پیش از میلاد در این مناطق حضور داشته‌اند. در این منطقه علاوه بر آن‌که انبوهی از آثار به زبان ختنی به دست آمده، از یکی از شاخه‌های زبان‌های هندواروپایی به نام تُخاری^۱ نیز آثار زیادی کشف شده است (سینکلر^۲، ۱۹۲۴). اما برپایه اسناد مکتوب، قدیمی‌ترین نشانه از حضور ایرانیان در منطقه ختن مربوط به قرن سوم میلادی است.

لازم به ذکر است که داستان آشوک و فرزندش کوناله در متنی به زبان ختنی با نام آشوکاودانه^۳ نیز موجود است. در این متن که درباره دوران پایانی زمامداری آشوک است، آمده که وی صاحب پسری کوناله نام می‌شود که وجه تسمیه نام وی همانندی چشمان آبی شاهزاده به چشمان پرنده‌ای با همین نام است. سپس به‌طور مختصر به این موارد اشاره شده: آموزش شاهزاده کوناله، شخصیت یَسس وزیر آشوک، شورش شهر تکسیلا، دسیسه ملکه آشوک برای فریب دادن شاهزاده کوناله، توطئه ملکه و یَسس برای انتقام گرفتن از کوناله؛ اما، متأسفانه، در این‌جا داستان به یک‌باره قطع می‌شود و نشانی از ادامه آن تا کنون پیدا نشده است. شروو معتقد است بخش مفقودشده این داستان حاوی روایتی درباره بنیان‌گذاری ختن بوده است (۱۹۸۷ب، ص ۷۸۲-۷۸۳).

از سوی دیگر وی معتقد است که خود داستان شاهزاده کوناله و تلاش ملکه برای فریب دادن وی و امتناع کوناله در تمکین درخواست نامشروع ملکه

1. Tokharian

2. Sinclair

3. Aśokāvadāna

بازتابی از سنت ادبیات حماسی ایرانی در ختن است و معادل آن در روایت‌های ایرانی داستان سیاوش در شاهنامه فردوسی است. در هر دو داستان پسران شاه مورد توجه نامشروع نامادری‌های خود قرار می‌گیرند، زنان شاه سرانجام موفق به خشمگین کردن شاه نسبت به پسرانشان می‌شوند، و هر دو شاهزاده مجبور به جلای وطن می‌شوند و به سرزمینی که در شمال شرق زادگاهشان قرار دارد می‌روند، هر دو به ختن می‌روند و شهرهایی را بنیان‌گذاری کرده و در آن‌جا فرمانروایی می‌کنند (شروو، ۱۹۸۷، ص ۶۴۶).

۳. ختن در دوران تاریخی تاریخ ختن و به‌طور کلی تاریخ ترکستان چین عمدتاً در پرتو چهار دسته از منابع قابل بررسی و تحقیق است: (۱) متون چینی که خود شامل اسناد حکومتی و خاطرات زائران چینی بودائی است؛ (۲) تعداد اندکی متون تبتی که مهم‌ترین آنها پیشگویی سرزمین لی است؛ (۳) اسنادی که در منطقه ترکستان چین به‌دست آمده و عمدتاً به زبان‌های پراکریت^۱ هستند، البته قطعات پراکنده‌ای به ختنی نیز در این خصوص در دست هست؛ (۴) آثار مورخان مسلمان که به نواحی آسیای میانه و گاه به‌طور موجز به ختن اشاره دارند (هیل، ۱۹۸۸، ص ۱۷۹؛ ریه^۲، ۲۰۰۷، ج ۱، ص ۲۴۰).

قدیمی‌ترین اشاره به ختن در شرح سفر مأموری از سلسله هان^۳ به‌نام چانگ چین^۴ آمده که در سال ۱۴۰ پیش از میلاد عازم سفری سیاسی - تجاری به ترکستان امروزی شد و شرح سفرش در متون مربوط به دوره هان ذکر شده است (کوماموتو^۵، ۲۰۰۹، الف، ایرانیکا، online). اما قدیمی‌ترین آثار مکتوبی

۱. Prakrit، زبان‌های هندوآریایی میانه که از حدود سال ۶۰۰ پیش از میلاد تا ۱۰۰۰ میلادی رواج داشتند را به‌طور کلی پراکریت می‌نامند (رضائی باغبیدی، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

2. Rhie

3. Han

4. Zhang Qian (張騫)

5. Kumamoto